

شور پروانه

(مجموعه غزل)

شاعر: پروانه ناطقی

پاییز ۱۳۹۳ (محرم ۱۴۳۶)

سرشناسه : ناطقی، پروانه، ۱۳۲۲ -
 عنوان و نام پدیدآور : شور پروانه (مجموعه غزل)/ پروانه ناطقی.
 مشخصات نشر : تهران : محسن، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۸۹ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 شابک : 978-600-6969-75-6
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۴
 رده بندی کنگره : ۸۳۶۱.۲۲۲ / الف ۵۶۷ ش ۹ ۱۳۹۴
 رده بندی دیویی : ۸۶۳۱

عنوان: شور پروانه
 مولف: پروانه ناطقی
 ناشر: محسن
 سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۴ - اول
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۵۰۰۰ تومان
 شابک: 978-600-6969-75-6

حق چاپ برای مولف محفوظ است

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۳	آئینه شفاف
۱۴	آبی دریا
۱۵	آئینه‌ی خورشید
۱۶	آدینه
۱۷	آب نگاه
۱۸	امواج دریا
۱۹	اکسیر
۲۰	برای مادر
۲۱	باد صبا
۲۲	بهاریه
۲۴	پر پرواز
۲۵	پرچین

۲۶	تربیع
۲۷	تجدید عهد
۲۸	تبسم
۲۹	جام تا جام
۳۰	جشن در افلاک
۳۱	جمعیت گیسو
۳۲	جاده
۳۳	بازیچه دهر
۳۴	حریر باد
۳۵	خیال خام
۳۶	دل آواره
۳۷	دل من
۳۸	دشت گل
۳۹	دود اسفند
۴۰	رایحه
۴۱	آبی چشم
۴۲	رمل و اسطرلاب
۴۳	زمستان
۴۴	سنبل زار
۴۵	سایه سار
۴۶	خنده گل

۴۷	سبز چراغ
۴۸	سایه مهتاب
۴۹	سیستان
۵۰	سفیر مرغ
۵۱	سُبحه گسسته
۵۲	سرمه شب
۵۳	سنگ شفق
۵۴	شکست
۵۵	شباهنگ
۵۶	شهدابه
۵۷	شور و شهناز
۵۸	شکوه عشق
۵۹	صلابه
۶۰	طفل ناآرام
۶۱	عقیق روان
۶۲	عنصر آخر
۶۳	غربت خورشید
۶۴	فاصله
۶۶	فریبندگی عشق
۶۸	قصه تلخ
۶۹	قهوه قاجار

۷۰		کیمیاگر
۷۱		گل خوشبو
۷۲		لالایی
۷۳		لاله دل داغ
۷۴		مستعمره
۷۵		معتکف
۷۶		منشور عشق
۷۷		میلاد یاس
۷۹		نقشی از عشق
۸۰		نیلوفر
۸۱		ناکجا آباد
۸۳		و آن یکاد
۸۴		هفت رنگ غم
۸۵		هفت سین
۸۶		هدیه بهار
۸۸		بی قرار
۸۹		شینم پائیزی
۹۰		فروع دین
۹۱		گل داودی
۹۲		مستی
۹۳		موج شالیزار

مقدمه:

به این تقریر چامه ای بر دل نوشته های بانو پروانه ی ناطقی "عاقبت آغاز صحبت کشت با پروانه ای" تا بدین بهانه "نقطه های عمر کوثر راد می شیرین کنم"

دو پی تفصیل نگاروی ناصر شعرو تبیین جایگاه شاعرانی ام "مرد این بار کران نیست تن مسکینم" در خیال ربست فامست در گذشته هم نیستیم "من بر آن عاشقم که روزه است" وصف این روندگی را با رسم مباد از عهدانی آغاز کرد.

اگر این سطور قرار است بماند که بماند؛ شرح هر شهادت شاعری در دراب از آغاز تا زمانی که نخستین انجمن های ادبی شکل گرفت تا به امروز، از آن سره و نه غم و دور مباد.

"فجر" دید "بهار" از راه رسید، "نیا" نقطه عزیمت کشت "سپیده" و فروغی "دگرگون شدند و باران" باریدن آغاز کرد و...

بهاره رویش و خیرش، تاباد چنین بادا.

خاطر هم هست سالهای پایانی دهمی هفتاد، هست بلند دستان عزیزان بنمن ادبی نیا، هم نشین
 شیخ و شهاب، بکمرانی شعر، شور و شور و جستاری در ادبیات کلاسیک و امروز ایران زمین.
 و این که می عطفی برگزیده تاریخی و گذار از بهبه ای از تاریخ شرم، تابا اقبال و استقبال
 بانوان آن دیار جمع کرده اند و از آن جمع کروی سر بر آرند و سرودها بسرایند، "شرف
 تر از خواب و زلال بر آن است".

به کلام، اندک بانوانی که در سالان و دهه ها سرودیت های فراوی، دل در گرو شعر نهاده اند،
 فارغ از کیفیت و کیت آن و خرق عادت نالین نموده اند، با جودند.
 کو این که بعد از نفس حضور قلبی از آلمان زمینه ساز مشارکت نسل های بعدی گردید و من بانو
 پروانگی ناطقی را از جلدی آن نسل باقی می دانم.
 او که سخنش از ژرفای "آشکده سینه" و در پیوند "بریشم دل" و صورتش جایی چون
 "جاری ارونه" و آن هم بانوای سازگاری

مخالف از نوای سازگاری	زن فی زن نوای ساز با ما
سرایم شعر ناب ماندگاری	زن بر بند بند فی که من هم

حسب حال می نویسد و بادی پر مهر سکوارگی دل را به پرسش می کشد
"آن دل که از خداست امانت به سینۀ من در تحیرم که چرا تنگ می شود"
خصایص او ستودنی است، ماندنی است. آدمی دلگشنگ نیکی ها می شود نه تنها در نهاد دیگران که
حتی در ضمیر خویش، آنی است که باید قدرش را دانست.
"تنها بهمنی است که دلگشنگ می شود"

"پروانه هم دلش برای خودش تنگ می شود"

پانزدهم ۱۳۹۴

سید محمد حسین کافانی